



بسم الله الرحمن الرحيم

- ۳.....مبادی اجتهاد
- ۳.....تأثیرات زمان و مکان
- ۳.....شناخت تاریخ فقه
- ۳.....اهمیت فلسفه دین
- ۳.....سه گروه از اخلاق
- ۴.....توانایی های ذهنی فرد
- ۴.....نسخ و تدریجیت احکام
- ۵.....تأثیر زمان و مکان در موضوعات
- ۵.....تشریح تأثیر در موضوعات اولیه
- ۵.....تشریح تأثیر در موضوعات ثانویه
- ۵.....انعطاف موجود در عناوین ثانوی
- ۶.....محدوده زمانی در عناوین ثانوی
- ۶.....تأثیرات زمان و مکان بر احکام ولایی
- ۶.....تأثیرگذاری بر گسترش فقه
- ۶.....تأثیرگذاری بر ظهور یا خفای موضوعات
- ۷.....تأثیرگذاری بر تکثیر یا تقلیل موضوعات
- ۷.....خطبه اخلاقی نهج البلاغه
- ۷.....شروع خطبه
- ۷.....معاینه حیات برزخی
- ۸.....زوایایی دیگر از این معاینه



مؤسسه اشراق و عرفان شماره ثبت: ۳۷۸۹



مبادی اجتهاد تأثیرات زمان و مکان شناخت تاریخ فقه

از مقدمه هفتم تا مقدمه دوازدهم در حقیقت شاید مقدمات جدید بود که هریک قابل بسط بیشتری بود. قبل از پرداختن به مقدمات دیگر لازم است، استدراکی از مقدمات سابق شود.

نکته اول در قبال مبادی اجتهاد بود، گاهی فقه نیز به عنوان مبادی برمی شمردند که در انوار الفقاهة ذکر شده است که این به یک معنی صحیح است چراکه آشنایی با تاریخ فقه، اقوال فقهاء و روند فقه امری ضروری است. لذا می توان این امور را مقدمه اجتهاد امروزی به حساب آورد. اما اگر منظور مقدمیت جهت خود فقه باشد، کلام صحیحی نیست.

اهمیت فلسفه دین

نکته دیگر در مبادی اجتهاد، اموری مانند فلسفه دین که مرتبط با کلام جدید است که می توان آن را جزء کلام گذشته به حساب آورد و می توان به دلیل اهمیت و کاربرد آن، آن را به صورت مستقل به حساب آورد، همچنان که در قبال فلسفه فقه نیز بدین صورت است.

سه گروه از اخلاق

از جمله مطالب دیگر تأثیرات احوال شخص بر اجتهاد او یا محیط اجتماعی بر فرد است که لازم است اخلاق خاص فقهی پدید آید. بنابراین اخلاق نظریه پردازی و پژوهش، در ذیل آن اخلاق پژوهش های دینی و در ذیل آن اخلاق پژوهش فقهی است که می تواند به آن پرداخته شود.



در ذیل این مطلب از فوائد الحائریة مرحوم بهبهانی که نشان‌دهنده درگیری اخباری و اصولی است مطالبی در این زمینه وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده باشد. البته این اخلاق به شکلی دیگر در منیة المرید و کتب مربوط به اخلاق متعلم و معلم و همچنین قوانین مطالبی است که مورد استفاده خواهد بود.

توانایی‌های ذهنی فرد

از جمله مطالب دیگری ضریب هوشی فرد است که جزء یکی از مقدمات اجتهاد است که توانایی‌های ذهنی نقش به خصوصی در اجتهاد دارد که آن‌ها به تناسب ژنتیک و عوامل دیگر متفاوت خواهد بود. اما درجه خاصی از آن در اختیار شخص است.

نسخ و تدریجیت احکام

اما بحث ما در مقدمه دوازدهم به دلیل حساسیت آن جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این مقدمه در رابطه با نقش زمان و مکان بود. در این زمینه می‌توان مطالبی را ذکر کنیم که دیروز به نقش زمان و مکان در قبال نسخ شریعت و احکام بود بنا بر نظریه‌ای که قائل به واقعیت نسخ قائل است که نظریه مشهور بوده و در مقابل آن آقای خوبی قرار دارد. در مورد سوم زمان و مکان قیدی برای تکلیف است.

مورد چهارم در قبال نقش زمان و مکان در بیان و تدریجیت احکام است که در تفاسیر بنا بر آنچه مشهور است ذکر شده است که برخی احکام مانند خمر به نحو تدریجی تبیین شده است که متناسب با شرایط زمانی بوده است. همچنان که در همه اعصار در تبلیغ احکام و معارف، رعایت تدریج امری ضروری است. احیاناً در اجرايان در مباحث حکومتی و ولایی نیز رعایت تدریج در مواردی ضروری است.



تأثیر زمان و مکان در موضوعات

مورد پنجم نقش زمان و مکان در موضوعات احکام است که تاکنون تقریباً همه افراد بر آن اتفاق نظر داشته‌اند. به صورتی که تحولات تاریخی در شکل‌گیری موضوعات اهمیت دارد که به چند صورت است؛

تشریح تأثیر در موضوعات اولیه

گاهی این تغییر در موضوعات اولیه رخ می‌دهد، همانند استحاله که موضوع به کلب تعلق گرفته است ولی با تحولی که در خارج رخ می‌دهد کلب به ملح تبدیل می‌شود لذا موضوع نیز تغییر پیدا می‌کند که از آن تعبیر به انقلاب موضوع و استحاله می‌شود. در اینجا همان‌طور که بیان شده بیان شارع تغییری نکرده است بلکه بحث تغییر در زمینه مصداق است.

تشریح تأثیر در موضوعات ثانویه

اما نوع دوم در عناوین عامه و ثانویه است که در این قسمت تحول موضوع بسیار وسیع است. در این موطن است که گفته می‌شود فقه و اسلام می‌تواند به تحولات زمانی و اقتضات آن‌ها جواب دهد. در اینجا مراد از عناوین ثانویه تنها اضطراب نیست بلکه حالت جنسی و نوعی برای موضوعات خاص خارجی ندارد همانند حفظ نظام که مفهوم انتزاعی کلی است که می‌تواند به هر امری همراه و از آن جدا شود حتی می‌تواند چراغ قرمز در عصر امروزی را دربر گیرد.

انعطاف موجود در عناوین ثانوی

لذا انعطاف به خصوصی در این عناوین وجود دارد. منفعة محلله نیز از این قبیل است. بخشی از این قواعد فقهی بدین شکل است که اصل قواعد را تشکیل می‌دهد و مصداق ماهوی ندارد و مصداق ثابتی نداشته و انعطاف خاصی را در خود جای داده است. در این قسم امکان جولان عوامل خارجی در آن گسترده است که گاهی در این احکام موضوع و گاهی متعلق یا متعلق متعلق است.



محدوده زمانی در عناوین ثانوی

ممکن است گاهی امری قرن‌ها مصداق عنوانی باشد که تصور بر اولیت آن باشد اما پس‌از آن کاشف از عنوان ثانوی بودن آن حاصل شود مانند خون که خرید و فروش آن بدین صورت است یا قضاء از باب حفظ نظام است و در آینده ممکن است به فرآیندهای امروزی حالاتی عارض شود که دیگر نیازی به قضاوت امروزی نباشد.

تأثیرات زمان و مکان بر احکام ولایی

قسم سوم در قبال احکام ولایی است که چندان با اجتهاد به طور ثابت ارتباط ندارد و تابعی از اوضاع و احوال اجتماعی است.

تأثیرگذاری بر گسترش فقه

مورد ششم به خاطر اهمیت آن مستقلاً بیان می‌شود که تأثیر آن‌ها در قبال پیدایش و گسترش موضوعات و به تبع گسترش اجتهاد و فقه است. تأثیرات و شرایط اجتماعی می‌تواند موضوعی برای فقه بسازد همانند بانک یا رأی‌گیری که در این قسم موضوعات جدید تأسیس می‌شود. گسترش این موضوعات جدید گاهی آن قدر گسترده می‌شود که فقه را با فصول یا کتاب جدیدی در مواجهه می‌سازد.

تأثیرگذاری بر ظهور یا خفای موضوعات

مورد هفتم که باز در حوزه موضوعات است، تأثیرات زمان و مکان به گونه ایست که می‌تواند بخشی از فقه را به محاق برده و یا مورد توجه قرار دهد مانند زمان تشکیل حکومت که بخش حکومت آن بیش از پیش مدنظر قرار می‌گیرد.



تأثیرگذاری بر تکثیر یا تقلیل موضوعات

هشتمین تأثیری که در اینجا می‌شود ذکر کرد مربوط به مبادی اجتهاد است که این اوضاع می‌تواند در جمع شدن و یا گشوده شدن مبانی اجتهاد تأثیرگذار باشد. مبادی اجتهاد در زمان‌های اولیه از گسترش بسیار کمتری برخوردار بوده و بافاصله گرفتن از عصور اولیه ظهور دین اسلام بسیاری از امور جزء مبادی اجتهاد نبوده است.

این چند قسم در موضوعات بود که ادامه روز دیگری آن شاء الله بدان پرداخته خواهد شد.

خطبه اخلاقی نهج البلاغه

این جملات از اوائل نهج البلاغه و خطبه بیستم است که چند جمله از خطبه مفصلی توسط مرحوم سید رضی آورده شده که در پاوری گفته شده این خطبه مفصلی است که بخشی از آن نیز در کافی ذکر شده است.

شروع خطبه

امام در این خطبه می‌فرماید:

«فَإِنَّكُمْ لَوْ عَايَنْتُمْ مَا قَدْ عَايَنَ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ لَجَزَعْتُمْ وَهَلْتُمْ وَ سَمِعْتُمْ وَأَطَعْتُمْ وَلَكِنْ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ مَا قَدْ عَايَنُوا وَ قَرِيبٌ مَا يَطْرُقُ الْحِجَابُ وَلَقَدْ بَصَّرْتُمْ أَنْ أَبْصَرْتُمْ وَأَسْمِعْتُمْ أَنْ سَمِعْتُمْ وَهَدَيْتُمْ أَنْ اهْتَدَيْتُمْ»^۱

معاینه حیات برزخی

اگر شما آنچه گذشتگان در برزخ با آن مواجه شده‌اند می‌دیدید، لحظه‌ای آرام نبودید. اینکه حیات برزخی برای همه بشر است مورد سؤال است. اما اینکه همه بشر با حقایق جدیدی در ماورای این عالم روبه‌رو می‌شود امری مسلم است. اما در استمرار آن برای همه یا برجستگان و ابرار است، مورد اختلاف است؟

^۱- نهج البلاغه؛ ص: ۲۸.



اما به گمان می‌رسد که عموم آن برای همه مسلم است که لیلة الدفن از این باب است، اما درجات دارد که هرچه درجه شخص بالاتر باشد، درجه او بالاتر خواهد بود. آنچه در قبال شهداء گفته‌شده از همین باب است و عذاب افراد نیز در همین راستاست.

زوایایی دیگر از این معاینه

البته امکان اینکه کسی در همین عالم برزخ را درک کند امری مسلم است چراکه این درجات درجات زمانی و مکانی نیست بلکه درگرو درجات احاطه افراد در مجردات است. لذا امام می‌کوشند تصویر شفافی را برای عموم افراد که از معاینه برزخ محروم‌اند ارائه دهند. کما اینکه درجایی دیگر می‌فرمایند که؛

«وَلَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَغْلَمَ مِمَّا طَوَى عَنْكُمْ غَيْبُهُ إِذَا لَخَرَجْتُمْ إِلَى الصُّعَدَاتِ»^۲

به همین سبب برای همه این حالت مکشوف نیست چراکه در این صورت طبق این بیان همه به کوه‌ها آواره می‌شدند و دنیا از دنیا بودن خارج می‌شد و افراد عزلت انتخاب می‌کردند. افرادی که چشم برزخی دارند، حالت مستمری نیست اما در حالت باز آن شدن گویا که او از دنیا خارج می‌شود. در دعای ابی حمزه و ادعیه مکرر این تصویر از جهان پس از مرگ تا قبل از قیامت ارائه‌شده است.

امام در ادامه می‌فرمایند؛ و چیزهایی را می‌شنیدید که نمی‌شنوید. به‌زودی این حجاب از شما برداشته می‌شود. علی‌رغم عدم معاینه اما حجت بر شما تمام است چراکه همه‌چیز بیان‌شده و اگر اهواء را کنار بگذارید همه آن‌ها را خواهید دید.

^۲ - نهج البلاغة؛ ص: ۱۳۶.